



دائرة المعارف حبان زون اسلام

آب

سر ویواستار متن انگلیسی
جان ل. اسپوزیتو

ترجمه و تحقیق و تملیق و تملیق
زیر نظر
پرویشگاه علوم انسانی
حسن طارمی، محمد دشتی، مهدی دشتی



نشر کتاب مرجع



نشر کنگره

تهران ۱۳۸۸



فهرست کتابخانه ایران مجلد

الف- معادل‌یابی، تنظیم و توضیح مدخل‌ها
نگار نادری

ب- ترجمه مقالات

محمد فاطمیان	یوسف اباذری
مهدی فاطمیان	مهدی افشار
مراد فرهادپور	محمد باقری
سید مجید قافله‌باشی	ولی‌الله برزگر کلینشی
حمیده کوکب	سعید پیشداد
سیدعلی مرتضویان	محمد تقی‌زاده
سپیده معتمدی	صمد چنینی‌فروشان
مجتبی منشی‌زاده	علی‌اصغر خندان
اشنازه منفرد	همن خوش‌چین‌گل
سیدحسین میرحلیلی	شهناز رازپوش
نگار نادری	محمد رفیعی مهرآبادی
محمدجواد ناطق‌پور	محمدعلی صالحی
سیدعباس هاشمی	حسن طارمی‌راد
محمدمنصور هاشمی	هدایت علوی‌تبار
لیلا هوشنگی	علی فاطمیان

ج- مقابله ترجمه و ویرایش

سپیده معتمدی
مجتبی منشی‌زاده
نگار نادری

د- ویرایش علمی، تحقیق و تعلیق (هشت ویراستاری)

حسن طارمی‌راد
محمد دشتی
مهدی دشتی

ه- ترجمه کتابشناسی

مستوره خضرائی

و- گزینش و آماده‌سازی تصاویر

مهمومه میرسعیدی

ز- ضبط اعلام

کبری محمدی تکیه

ح- امور هنری

مسعود نجابتی (طراح گرافیک)
علی تباقی (بازبینی فنی و اجرای هنری)

ط- آماده‌سازی فنی

سهیلا اسدی باهر (صفحه‌آرا)	اکرم رضایی (نمونه‌خوان و ویراستار فنی)
مهناز خلیج اسماعیلی (نمونه‌خوان)	اعظم رمضانپور سبحانی (حروف‌نگار)
فریبرز رسولی (پیگیری حروف‌نگاری)	

ی- امور اجرایی

سیدمصطفی سیفی
وحید وکیل

الین گلدربرگ	اسلام و کفر و ایمان	اسلام	کلیات: موقعیت اسلام در میان دیگر ادیان، ریشه کلمه، ریشه‌های تاریخی	جان، ال. اسپوزیتو
سیدعلی مرتضویا	اسلام و مسیحیت	اسلام در شاوورمیانه و شمال آفریقا	محمد تقی‌زاده	بیتروان سیورس
برت ف. برایتز	اسلام و یهودیت	اسلام در صحرای آفریقا	محمد تقی‌زاده	علی، ا. مزروعی
دبلیو ترویل	اسلام و یهودیت	اسلام در آسیای میانه و قفقاز	محمد تقی‌زاده	اندرس ویمبوش
هدایت علوی‌تبار	اصلاح	اسلام در چین	محمد تقی‌زاده	درو، سی. گلاذنی
رونالد ر. زتلر	اصناف	اسلام در جنوب آسیا	محمد تقی‌زاده	بروس لارنس
علی فاطمین	اصول فقه	اسلام در جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه	محمد تقی‌زاده	محمد تقی‌زاده
دانیل سی. پتر	اصولیه	اسلام در اروپا	م. ب. هوکر	محمد تقی‌زاده
لیلا هوشنگی	اصول فقه	اسلام در آمریکا	محمد تقی‌زاده	فردریک ماتیسون دنی
آنه ماری شیمبل	اصول فقه	اسلام پندیری	محمد تقی‌زاده	محمد تقی‌زاده
صمد چینی‌فروشان	اصول فقه	اسلام و ایدئولوژی	محمد تقی‌زاده	محمد فاطمین
اسعد ابوخلیل	اصول فقه	اسلام و سرمایه‌داری	محمد تقی‌زاده	دیل ف. ایکمن
هیأت ویراستاری	اصول فقه	اسلام و سوسیالیسم	محمد تقی‌زاده	هدایت علوی‌تبار
آندره ریموند	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	رابرت بیانکی
سیدحسین میرجلیلی	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	سیدحسین میرجلیلی
فرهت جی. زیاده	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	سلما بانمان
هلن خوش‌چین‌گل	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	سیدعلی مرتضویان
حامد الگار	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	
حسن طارمی‌راد	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	
جان ر. پری	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	
محمد رفیعی‌مهرآبادی	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	
نظیف، شهرانی	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	
سیدعلی مرتضویان	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	
جمال‌الدین	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	
حقیق مالک	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	
محمدجواد ناطق‌پور	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	
تیمور کوزان	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	
رادنی ویلسون	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	
سیدمجید قافله‌باشی	اصول فقه		محمد تقی‌زاده	

شخصی و همچنین منع کسب سودهای زیاده از حد وضع کرده است. اگرچه هر قدر قرآنین سختگیرانه‌تر بود، راههای گریزی که مفتیان برای اجتناب از اجرای آنها ابداع کردند نیز، بدینتر بودند.

طی قرنهای سیزدهم و چهاردهم، مسلمانان و غریبها سعی کردند تا مجموعه روشنتری از دستورات اقتصادی برای اسلام تدوین کنند تا بتوانند آن را با الگوهای رقیب سرمایه‌داری، سوسیالیسم و کمونیسم تطبیق دهند. یا از آنها مستمای سازند. مشون و فعالیتهای قبل از دوره جدید به قدر کافی انعطاف‌پذیر هستند که حمایتی مفید، هر چند ناکافی، برای بسیاری از این کوششها داشته باشند. احادیث، روی هم رفته، زمینه را بیشتر در جهت توسعه سرمایه‌داری یومی فراهم می‌آورند و بیشترین دشمنی را با ورود کمونیسم داشته‌اند. هر از چند گاهی نیز هواخواهی جدی از نظریه‌های نوظهور سوسیالیسم اسلامی در چند کشور مهم مانند مصر، پاکستان، اندونزی و ایران به منصفه ظهور رسیده است. اما هنوز حتی طرفداران سوسیالیسم اسلامی که بیشترین مقبولیت را دارند، دارای صبغه و شهرت سکولاریستی و بعضاً ارتداد هستند که خود، مقبولیت آنها را در متن جامعه اصلی مسلمانان به طور جدی محدود کرده است.

هر چند مباحث جدید در باره اقتصاد اسلامی در وهله اول بر رابطه میان مذهب و سرمایه‌داری متمرکز شده است، ولی این مباحث در سه جهت مختلف حرکت نموده‌اند. در آغاز، عمده توجه روی این بحث‌ها متمرکز شد که اسلام، مانعی، برای سرمایه‌داری است. به تدریج نویسندگان مسلمان و غربی در این دیدگاه به یکدیگر نزدیک شدند که اسلام حامی نوعی سرمایه‌داری است. سرانجام در سالهای بسیار اخیر تجددگرایان اسلامی مجموعه گسترده‌ای از نظریه‌های اقتصادی و برنامه‌های مذهبی را با یکدیگر ترکیب نموده‌اند تا اسلام را به عنوان بدیل برتر سرمایه‌داری به تصویر بکشند.

اسلام به عنوان مانع سرمایه‌داری: خاورشناسان و دانشمندان علوم اجتماعی تأکید کرده‌اند که اسلام با

9. Piscatori, J. P., ed. *Islam in the Political Process*. Cambridge 1983.

«روند سیاسی اسلام»؛ گناه‌ترین مجموعه مقالات در زمینه‌اندونزی و سیاست مذهبی در دنیای اسلام.

10. Piscatori, J.P. *Islam in a World of Nation-States*. Cambridge 1986.

«اسلام در دنیای دولت - ملتها»؛ مقاله‌ای هوشمندانه دربارهٔ ایدئولوژیهای اسلامی رقیب در سیاست فراملی و بین‌المللی.

11. Rahman, Fazlur. *Islam and Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition*. Chicago 1962.

«اسلام و مدرنیسم: تحول یک سنت فرهنگی»؛ اثر درخشان یک نوگرای مسلمان در مورد اصلاح‌طلبی.

12. Smith, Wilfred Cantwell. *The Meaning and End of Religion*. New York 1963.

«مفهوم و پایان مذهب»؛ این اثر طبقه‌بندی رسوم مذهبی را در دنیای معاصر مورد بحث قرار می‌دهد. پروژه بحث آن دربارهٔ اسلام بسیار جالب است.

ادیل ف. ایکلمن

اسلام و سرمایه‌داری، مباحثات مربوط به

مضامین اقتصادی اسلام پرحرارت‌تر و کم نتیجه‌تر از مباحث مربوط به مفاهیم سیاسی و اجتماعی آن است. متون سنتی و صاحبان آراء دستورات عملیهای بیشماری برای خانواده مسلمان و طرز حکومت و سیاست اسلامی ارائه نموده‌اند ولی برای اقتصاد اسلامی چیزی مطرح نکرده‌اند. قرآن بجز محترم شمردن مالکیت خصوصی، تجارت حلال و رقابت تعدیل شده با در نظر گرفتن منافع مجرومان، ارزشهای اقتصادی اندکی را با صراحت تأیید می‌کند. احادیث به ستایش از تقوای بازرگانان دیندار می‌پردازند آن هم با لحنی که برای هر خواننده کتاب «تقویم ریچارد فقیر» آشناست. با این حال این احادیث به سختی در ارتباط با مرام طبقه‌ای معامله‌گر یا همتایی اسلامی برای کالونیسم، مفهوم دارد.

شریعت قوانین محکمی جهت حمایت از ثروت

1. Dale F. Eickelman

2. CAPITALISM AND ISLAM

3. Poor Richard's Almanack

سرمایه‌داری ناسازگار است ولی تفسیرهای آنان نوما علیّه تعالی‌های نهادی، به سمت تفسیرهای دینی تمایل می‌یابد. گرایش خاورشناسان این است که ویژگی اسلام را آن بدانند که ذاتاً در تضاد با سرمایه‌داری است، به خاطر آنکه اصول و عقاید اساسی و غیرقابل تغییرى مانند اعتقاد به سرنوشت و تقدیر، آن جهانی بودن انسان و تحقیر (و تحریم) ربا دارد. این بحث و جملات غالباً متعکس‌کننده و تفریط‌کنندهٔ تعصبات خام عمومی علیه اسلام است، بدین ترتیب، که برای آنها زنگاری از اعتبار و سندیّت شبه‌علمی (علم کاذب) فراهم می‌کند.

از طرف دیگر دانشمندان علوم اجتماعی روی تنش‌های وضعی و شاید موقتی میان اسلام و سرمایه‌داری متمرکز گردیده‌اند. آنها این تنش‌ها را با شرایط تاریخی خاص و ساختارمابیی مانند: فئودالیسم، حکومت مطلقهٔ سلطنتی، و امپریالیسم مشخص می‌سازند. احتمال بیشتری دارد که دانشمندان علوم اجتماعی در مقایسه با خاورشناسان تضادهای میان مذهب و اقتصاد را جزئی ببینند، و نه شامل تمامی موارد؛ آنچنانکه گویی در روابط و نهادهای انعطاف‌پذیر، و نه در تعصبات خشک و اظهارنظرهای رسمی ریشه دارد. گرایش دانشمندان علوم اجتماعی آن است که به یک «اسلام تاریخی» تطبیقی بیندیشند تا به یک «اسلام اخلاقی» تکوینی. «اسلام تیساریخی» مستعکس‌کنندهٔ مکساتب فکسری و فرهنگ‌های مسلط است، در حالی که «اسلام اخلاقی» فعالانه سعی می‌کند آنها را شکل دهند. اسلام تاریخی تطبیقی توصیه‌کنندهٔ گروه‌ها و نهادهای حاکم است، در حالی که اسلام اخلاقی تکوینی آنها را زایل می‌نماید.

دانشمندان علوم اجتماعی، اسلام را عاملی ضعیف در تأثیرگذاری بر جهان، و همچنین کم‌تأثیر در گند کردن سرمایه‌داری تلقی می‌کنند. اگر مسلمانان در انبساط ثروت خصوصی و سرمایه‌گذاری آن در امور مهم تولیدی، از سایرین عقب افتادند، به خاطر وجود اندیشه‌های مذهبی خصمانه در برابر پیشرفت اقتصادی نبرده است. جدّی‌ترین مانع برای سرمایه‌داری، بنیادگذاری

نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناسازگار و نامطلوب بوده که مانع رشد سرمایه‌گذاران، بدون توجه به درجه یا نوع دینداری آنها، می‌شود. سلاطین هوسباز و مشرفگان دسیسه‌گر، کشاورزان (و زمینداران) بیخیل در پرداخت مالیات، سربازان مزدور سرکش، مالکان غایب و زارعان بی‌زمین، جامعه‌های پراکنده و طبقات فاقد تحرک، بازارهای ادغام‌نشده و بخش‌های غیرقابل کنترل در کشور، جنگ‌های بی‌رحمانه و تجاوز خارجی، اینها ضمه‌های فلیج‌کنندهٔ جهان اسلام بود، نه کمبودهای روحی یا اخلاقی عقاید اسلامی.

در حالی که بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی می‌توانند انقلاب‌های سرمایه‌داری در میان مسلمانان را شکل‌دهندهٔ نهادهای این جوامع تصور کنند، اغلب خاورشناسان نمی‌توانند چنین تصویری داشته باشند. از آنجا که دانشمندان علوم اجتماعی مذهب را تنها به عنوان بخشی از تمدن پیچیده اسلامی می‌بینند، می‌توانند تصور نمایند که اسلام بر سرمایه‌داری مطبق می‌شود و حتی سرمایه‌داری را در پاسخ به فشارهای وارده از محیط در حال تحول، ارتقا می‌بخشد. از آنجا که خاورشناسان به اسلام به عنوان یک طرز فکر تغییرناپذیر می‌نگرند که بر سایر جنبه‌های زندگی تأثیر می‌گذارد، انتظار دارند که اسلام انگیزه‌های سرمایه‌داری از هر جنبه‌ی داخلی یا خارجی را مختل نموده و بر آن غلبه پیدا کند.

اسلام به عنوان نوعی سرمایه‌داری: در حالی که خاورشناسان و دانشمندان علوم اجتماعی مستگنی مفروض دین بر توسعه را برشمرده و مستحیده‌اند، مورخان اقتصادی شروع به تغییر مباحثه در جهت جدیدی نموده‌اند. آنها نه تنها معتقدند که سرمایه‌داری در جهان مسلمانان پیشرفته‌تر و گسترده‌تر از وضعیتی است که قبلاً پنداشته می‌شد، بلکه اسلام خود شایسته اعتبار بسیاری به خاطر این دستاورد است. هم نویسندگان غربی و هم نویسندگان مسلمان هر دو سرمایه‌داری بازارگانی پسویایی را توصیف نموده‌اند که شهرهای اصلی آسیا و آفریقا را در شیکهٔ بین قاره‌ای گسترده‌ای از جاده ابریشم تا ساحل

تجارت پهنیده و در مسافت طولانی که برای قرن‌ها هم سرچشمه و هم میوه تمدن اسلامی بوده است، نسبی توانست در انقلاب صنعتی و عصر امپریالیسم دوام یابد. مادامی که قدرت، مناطق رقیب یا اندک یا قابل کنترل بود، اسلام شکل متمایز و با دوامی از سرمایه‌داری بین‌المللی را پرورش می‌داد. در هر حال زمانی که برتری‌های غیرقابل رقابت اروپا به سطح رهبری جهانی رسید، قوانین و محدودیتهای توسعه اقتصادی دیگر به هیچ‌وجه توسط منابع و عوامل داخلی تنظیم نمی‌گردید.

اسلام به عنوان چنانچه‌ترین سرمایه‌داری: هر قدر سرمایه‌داری بیشتر به سلطه خارجی ربط می‌یابد، بخشی از جاذبه‌هایش نزد مسلمانان را از دست می‌دهد. به جای این پرسش آیا اسلام مانع سرمایه‌داری است یا نه؛ اکنون دیدگاه اصلاح‌گرایان و ملی‌گرایان مسلمان این است که الگوهای اقتصادی غربی در مسیر آنها را به سوی استقلال و خوشبختی مسدود نموده‌اند. آنها به جای تأکید بر آن جنبه‌هایی از اسلام که در گذشته سرمایه‌داری را توسعه داده است، در این باره بحث می‌کنند که اقتصاد اسلامی صحیح و منسجم می‌تواند در آینده بر سرمایه‌داری تفوق پیدا کند.

تلاشهایی که جهت بیان تفصیلی اقتصاد اسلامی انجام شده، طی سالهای اخیر بوده، و در سالهای رونق نفتی در دهه ۱۳۵۰ش / ۱۹۷۰م اوج گرفته است. از آن زمان به بعد، اغلب نوآوریهای درخور توجه نه در زمینه نظریه‌ها بلکه در مسائرها و کاربردها بوده است. گرایشهای نظری غالب بی‌تردید سرمایه‌داری است و برتری مالکیت خصوصی و اقتصاد آزاد را مورد تأکید قرار می‌دهد. تأکید زیادی بر همکاری میان بخش خصوصی و دولت و همچنین همکاری میان شرکتهای مسلمان و دولتها در سطح بین‌المللی وجود دارد. بحث زیادی در باره نابرابری اقتصادی در جهان اسلام و در باره نیاز به توزیع عادلانه ثروت در بین مسلمانان و میان ملل مسلمان وجود دارد. افزون بر آن، تأکید عمومی وجود دارد که مالکیت زمین و منابع طبیعی امانت عمومی است.

طلا و از صدورها تا جزایر ادویه و از دریای سیاه تا دامنه آمیدونیکا، با یکدیگر مرتبط نموده‌اند. مسلمانان در سرتاسر دولت‌شهرها و امپراتوریهای چندملیتی (شامل چند کشور) در پادشاهیهای کشاورزی و امارات دریایی در ایجاد فرهنگ جهانی سهیم بودند. این فرهنگ نه توسط سربازان یا مأموران دولتی بلکه توسط بازرگانان بسیاری منتقل می‌شد که افزون بر فعالیت تجاری، غالباً به عنوان هیئت تبلیغی اهل تصوف فعالیت می‌نمودند. خصوصاً در مناطق غیرعرب، بازرگانان صوفی، تجسم عینی تمدن جهانی اسلام بودند که مذهب و بازرگانی، شهر و کنسور، تصوف هموشیارانه و دین‌باوری انعطاف‌پذیر را با یکدیگر مظهر تلقی می‌کنند. به انحاء مستعد، اسلام ظاهراً [بسی خواست] مظهر خنثیاتی مخصوص یک طبقه شهری قرامطی متوسط‌الاحوالی باشد که می‌توانست به آسانی تمام، آداب و رفتار زاهدنمایانه و گرایش خورد به نیکوکاری را با تقویم قمری و قواعد سنت و سخت مذهبی خود وفق دهد. بازرگانان مسلمان و واعظان به رواج احادیث نبوی کمک کردند که در آن به صرفه‌جویی، فیوتنی و سعی و کوشش تشویق شده است تا جایی که ممکن است به نظر برسد مسلمان شدن پذیرفتن سرمایه‌داری نیز هست.

مورخان و اقتصاددانان غالباً معتقدند در صورتی که مسلمانان می‌توانستند در مقابل یرزش امپریالیسم اروپایی مقاومت کنند این شکوفایی بازرگانی بین‌المللی می‌توانست، انقلابهای صنعتی را در سراسر جهان اسلام ترغیب نماید. از این دیدگاه مانع تعیین‌کننده توسعه سرمایه‌داری ضعف ذاتی اندیشه اسلامی یا انعطاف‌ناپذیری نهادهای غیرمرسوم نبود بلکه امتیلا یافتن نیروی نظامی غرب و طمع آنها به کشورهای مسلمان‌نشین بود. در واقع در بسیاری از کشورها، هجوم مستعمراتی و بازرگانی اروپا، صنایع بومی و منابع کارخانه‌ای را در هم شکست. با شکست دادن صنایع یک منطقه پس از منطقه دیگر با کالاهای ارزان و تولید انبوه، بازرگانان غربی غالباً به صنعت‌زدایی همان اقتصادهایی می‌پرداختند که در حال ادغام در بازار نوین جهانی بودند.

که نباید جهت انتفاع نسلهای آینده محافظت گردد. بنابراین در جهان اسلام مانند سایر نقاط جهان، اندیشه اقتصادی معاصر به طور فزاینده‌ای گرفتار هماهنگی اجتماعی، وابستگی متقابل جهانی و حفاظتهای محیطی شده است.

نشانه این سرمایه‌داری اسلامی در حال ظهور، مجموعه مؤثری از نهادهای جدید است که به طور قابل توجهی چندوظیفه‌ای و چندملیتی‌اند. نقش محوری از آن چندین بانک اسلامی بزرگ وابسته به دولت است که به دنبال متمرکز نمودن سرمایه‌گذاری و قدرت، در عین شراکت در مخاطره و سودند. این بانکها جهت حفظ ادعایشان در مورد اسلامی بودنشان، از پرداخت بهره به نرخهای ثابت اجتناب می‌نمایند؛ در عوض عموماً سپرده‌گذاران را در نسبتی از عواید و زیان سهم می‌نمایند. چون از سپرده‌گذاران می‌خواهند تا ریسکهای مالی قابل توجهی را بپذیرند، وام‌گیرندگان را نیز مستلزم می‌کنند که تا حدی از نظارت، سازمانی و اداری بانکها و مؤسسات مالی [صرف‌نظر کنند. اگرچه این سیاستها مالکیت رسمی را تغییر نمی‌دهد، با وجود این نوعی مشارکت غیردو طرفه میان سپرده‌گذار، وام‌دهنده و وام‌گیرنده ایجاد می‌کند و تمامی طرفها به صورت سرمایه‌گذاران مشترک در می‌آیند.

بانکهای اسلامی فعالیت‌های انباشت سرمایه، استفاده از عواید حاصل از ترقی ارزش‌داری و سودآوری را به طریقه غیرمعمول و واضحی در هم می‌آمیزند. برتری بانکهای چند منظوره در اقتصادهایی که دارای بازار ارزی زیاده و ولی بازارهای ضعیف سرمایه و زیرساختهای ضعیف هستند، تمجیب‌آور نیست. به طور کلی توسعه بیش از حد نهادهای مالی ممکن است جبران توسعه نیافتگی مؤسسات بازرگانی را بنمایند ولی این پدیده باعث ایجاد برخی ترکیبهای سازمانی غیرمعمول می‌شود. بسته به ترکیب خاص پروژه‌ها و مشتریان، یک بانک اسلامی می‌تواند نقشهای یک سندیکای سرمایه‌گذاران و یک بازار بورس اوراق بهادار، یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک در اوراق بهادار^۱ و یک

اتحادیه اعتباری^۲، یک بورس کالا^۳ و یک کازینو را یا یکدیگر ترکیب نماید.

بانکهای اسلامی همچنین با معاملات بین‌المللی بسیار بزرگ و روابط سیاسی که بر روی آن تبلیغ بسیار زیادی شده، متمایز می‌گردد. بانکهای اسلامی مجرای حرام‌پسندی برای ارسال پول، کارگران، هزینه‌های زیارتی و دلارهای نفتی‌اند. این بانکها وسیله گردش سرمایه از دولتهای تولیدکننده نفت به کشورهای فقیرتر دارای مازاد عظیم نیروی کار و زمین هستند. اغلب بانکهای اسلامی آشکارا با دفاتر نمایندگیهای دولتی، احزاب سیاسی، خانواده‌های سلطنتی، نهضتهای اجتماعی، و مبارزات آزادی‌بخش متحد هستند. این اشتراکها غالباً سرزدهای میلی را در نوردیده و مجموعه مشترکی از مبارزات سیاسی و ایدئولوژیک را در سراسر جهان اسلام طرح‌ریزی کرده است.

پرداختهای تسطی زارغان ساززایی به هندو و سرمایه‌گذاری حج^۴، به برنامه فعالیت سازنده حزب حاکم مساعدت می‌نمایند تا به کارفرمایان مبتکر مسلمان یارانه پرداخت نمایند. حاجیان خارجی و کارگران مهمان در عربستان سعودی جهت حمایت از خانواده‌ها و کارگاهها در سراسر آسیا و آفریقا از بانکهای اسلامی استفاده می‌نمایند. درآمدهای نفتی از بانکهای کشورهای خلیج فارس به مصریهای بیکار پرداخت می‌شود تا مزایع بایر سودان را دایر نمایند، به تأمین مالی بازرگانان و سیاستمداران اسلامی حاکم بر ترکیه که با آنها متحد هستند، تجهیز نظامی رزمندگان مسلمان در یوسنی، افغانستان و فیلیپین می‌پردازند.

اقتصاد اسلامی در عمل پیشرفته‌تر از نظریه آن؛ و منافع و سازمانهای اقتصاد اسلامی تبلور بیشتری از اهداف آن داشته است. اگرچه طرفداران اقتصاد اسلامی بر این امر پافشاری می‌نمایند که اقتصاد اسلامی یک جایگزین روشن برای نظامهای اقتصادی موجود است؛ ولی اقتصاد اسلامی بیشتر شبیه نوعی سرمایه‌داری است که از لحاظ مالی از آن مشتق شده باشد، آن هم با تمایل زیاد برای ایجاد روابط سیاسی فراملی جهت خنثی نمودن

حزب سوسیال دموکرات اسلامی.

6. Gran, Peter. *Islamic Roots of Capitalism: Egypt, 1760-1840*. Austin 1979.

>ریشه‌های اسلامی سرمایه‌داری: مصر، ۱۷۶۰-۱۸۴۰< شرح اصیلی از تجدید حیات فرهنگی و تجاری در مصر، پیش از دوران استعمار.

7. Iqbal, Munawar. *Distributive Justice and Need Fulfillment in an Islamic Economy*. Islamabad 1986.

>عدالت در توزیع [ثروت] و رفع نیاز در یک اقتصاد اسلامی.<

8. Kazarian, Elias. *Islamic versus Traditional Banking: Financial Innovations in Egypt*. Boulder 1993.

>بانکداری اسلامی در مقابل بانکداری سنتی: نوآوری‌های مالی در مصر.<

9. Khan, Shahrukh Rafi. *Profit and Loss Sharing: An Islamic Experiment in Finance and Banking*. New York 1987.

>مشارکت در سود و زیان: یک تجربه اسلامی در امور مالی و بانکداری.<

10. Rahman, Fazlur. *Islam and Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition*. Chicago 1982.

>اسلام و نوگرایی: انتقال یک سنت فکری<؛ تحلیل عالی تغایل میان «اسلام تاریخی» و «اسلام اخلاقی».

11. Rodinson, Maxime. *Islam and Capitalism*. Austin 1978.

>اسلام و سرمایه‌داری<؛ نقدی پیشرو بر تصورات شرق شناسانه‌ای که مبین ممانعت اسلام از توسعه سرمایه‌داری است.

12. Roff, William R., ed. *Islam and the political Economy of Meaning*. Berkeley 1987.

>اسلام و مفهوم اقتصاد سیاسی<؛ مجموعه‌ای از مقالات در باره مذهب و اقتصاد در جهان اسلام به قلم جامعه‌شناسان، پیشرو.

13. Turner, Brian. *Marx and the End of Orientalism*. London 1978.

>مارکس و پایان شرق‌شناسی<؛ ارزیابی مارکسیستی الاهیات و مباحث آکادمیک توجیهی در باره تبعات اقتصادی اسلام.

14. Wohlens-Scharf, Traute. *Arab and Islamic*

صفحه‌های مدارم خود در بازارهای داخلی و جهانی. برخی از شرکت‌های سرمایه‌گذاری اسلامی که پایبندی به ضوابط ندارند، و مشکل سوء مدیریت، و فساد مالی نیز دارند، داستان‌های مهیجی در باره ورشکستگیها، بازپرداخت‌های معوق و فعالیت‌های نظامی سزای سرهم کرده‌اند. به طور کلی تأثیر آنها ضداقتلایی و محافظه‌کارانه است.

شرکت‌های اسلامی از لحاظ داخلی حامی دموکرات‌های جناح راست و معتدل و طرفدار نوسازی حکومت‌های استبدادی و مخالف تندروهای مذهبی و چپ‌گرا هستند. در موازنه قدرت در میان دولت‌های اسلامی، آنها را جدلاً با رهبران عمده سازمان کنفرانس اسلامی یکی می‌دانند. آنها به تحکیم اتحاد میان عربستان سعودی، مصر، ترکیه، پاکستان، اندونزی، مالزی و نیجریه کمک می‌کنند در حالی که مقابله با نفوذ ایران، لیبی و عراق می‌پردازند. در اقتصاد جهانی، بانک‌های اسلامی از اهرم‌شان در بازارهای مالی جهت فشار آوردن به کشورهای پیشرفته صنعتی جهت اخذ امتیازهای تجاری، سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی استفاده می‌کنند. با وجود این، آنها خواهان نظم اقتصادی نوینی در جهان نیستند بلکه تنها خواستار جایگاه بالاتری در سلسله مراتب انعطاف‌پذیر ملتها هستند. [--- تجارت].

منابع:

1. Ahmad, Khurshid, ed. *International Conference on Islamic Economics*. Delhi 1984.

>کنفرانس بین‌المللی اقتصاد اسلامی<؛ مجموعه مقالاتی به قلم نظریه‌پردازان پیشرو اقتصاد اسلامی در چند کشور.

2. Amin, S. H. *Islamic Banking and Finance: The Experience of Iran*. Tehran 1986.

>سرمایه‌گذاری و بانکداری اسلامی: تجربه ایران.<

3. Binder, Leonard. *Islamic Liberalism*. Chicago 1968.

>لیبرالیسم اسلامی<؛ مبحثی عالی در باره مشارکت‌های مقذور اسلام در توسعه سرمایه‌داری و دموکراسی.

4. Coulson, Noel J. *Conflicts and Tensions in Islamic Jurisprudence*. Chicago 1969.

>درگیریها و تنشها در فقه اسلامی.<

5. El-Ashker, Ahmed. *The Islamic Business Enterprise*. London 1987.

Banks: New Business partners for Developing Countries. Washington, D. C., 1983.

«بانک‌های اسلامی و تحریر: شرکای تجاری جدید برای کشورهای در حال توسعه».

/ وایت بیانکی /

دلبسته سیاست‌های اصلاح‌طلبانه برای نوسازی و توسعه بودند معرفی کرد. سلامه موسی که عمیقاً متأثر از اندیشه اندیمن فابین^۱ بود حدود پانجاه کتاب در موضوعات اجتماعی، اقتصادی و فلسفی نگاشت که خوانندگان فراوان و ارج بسیار یافت.

سلامه موسی به فعالیتهای تشکیلاتی نیز رو آورد. در ۱۳۳۸ق در تأسیس حزب سوسیالیست مصر مشارکت کرد اما این حزب دیری نپایید و در ۱۳۰۲ق به قالب حزب کمونیست مصر، تحت رهبری ایدئولوژی مارکسیسم، درآمد. سلامه موسی و دیگر کسانی که به گرایشهای اصلاح‌طلبانه او متمایل بودند از فعالیتهای تشکیلاتی در عراق یک گروه مخالف دست کشیدند. حزب کمونیست، سوسیالیستهای فابینی را که دیگر تشکیلی برای سازماندهی فعالیتهای خود نداشتند، به انزوا کشاند.

در مصر، سوسیالیستهای غیرمذهبی از جنگ جهانی اول خواه به صورت قانونی و خواه مخفیانه و زیرزمینی به سازماندهی خود پرداخته بودند، اما اصلاح‌طلبان مسلمان تا دهه‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ش به بیان اندیشه‌های عدالت اجتماعی بر بنیادهای دینی اهتمام نکرده بودند. برای مثال، جمعیت اخوان المسلمین که در ۱۳۰۷ش / ۱۹۲۸م پا گرفت، به ایدئولوژی سوسیالیسم گرایش نیافت، امّا در سرمایه‌هایش همواره با سوسیالیستهای غیرمذهبی و مذهبی، بیشتر به قصد رویارویی، ارتباط داشت. از نظر فلسفی، اخوان المسلمین پایتد بینش جنبش تجدید حیات اسلام در سده نوزدهم بود که از یروپایی نظام حکومتی اسلامی بر پایه قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جانبداری می‌کرد. این تصمیمیت با رخنه غرب و از جمله اندیشه سوسیالیستی در جهان اسلام مقابله می‌کرد و بر این باور بود که سوسیالیسم نوعی ایدئولوژی استعماری است که به جامعه اسلامی تحمیل شده است.

حسن البنا (۱۳۲۴-۱۳۶۸ق) رهبر عالی اخوان المسلمین مصر و کسان دیگر نماینده نسلی جدید از ملی‌گرایان بودند که دیگر چشم امید به الگوی رایج

اسلام و سوسیالیسم^۲. دو جریان مهم فلسفه اجتماعی و دینی که در رشد و تکامل چند صدساله خاورمیانه و افریقای شمالی مؤثر بوده است، اسلام و سوسیالیسم است. گروه این دو جریان غالباً یاری‌بخش یکدیگر بوده‌اند، در پاره‌ای از موارد نیز یا هم در تضاد واقع شده‌اند. این دو مکتب فکری، جداگانه یا به اتفاق، تأثیر شگرفی بر سمت و سوی جریانات سیاسی و فکری منطقه به جا نهاده‌اند.

گرچه به طور کلی تصور عمومی بر این است که خاستگاه سوسیالیسم فلسفی و عملی، اروپا بوده است، اما ریشه‌های هم در خاورمیانه عربی داشته است. در بین نامدارترین اصلاح‌طلبان اسلامی اواخر سده نوزدهم نوشته‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی^۳ حاوی نخستین اشارتها به سوسیالیسم است. اسدآبادی مفهوم اشتراکیت (سوسیالیسم) را در سنتهای اعراب بدوی در دوران پیش از اسلام باز می‌جوید. به عقیده او بنیادگذاران نخستین دولت اسلامی در سده هفتم میلادی این سنتها را به مثابه شمال‌وهدای اصلی برای پستای ساختمان جامعه و سازماندهی و سامان بخشیدن به آن، اقتباس و اختیار کردند. در نظر اسدآبادی، سوسیالیسم یک آموزه اصیل عربی است که تمدن تاریخی جامعه اسلامی را به نیکبختی تمامی اعضایش تعیین می‌کند.

در مصر، نخستین و برجسته‌ترین متفکر اجتماعی سلامه موسی (۱۳۰۴-۱۳۷۸ق) بود که کارش را در مقام مدافع عدالت اجتماعی از اوایل دهه ۱۳۲۰ق در زمانی که در انگلستان به تحصیل اشتغال داشت، آغاز کرد. در ۱۳۳۱ق، در بازگشت به مصر مقاله راهگشای خود را با عنوان الاشتراکیت منتشر کرد و در این اثر اندیشه سوسیالیسم را به نسلی از روشنفکران و فعالان عرب که

1. Robert Bianchi 2. SOCIALISM AND ISLAM 3. Fabian